

دنیای آتش و یخ

تاریخ نگشته وستروس و
بازی تاجار تخت

جورج آر. آر. مارتین

سرشناسه: مارتین، جورج آر. آر، ۱۹۴۸ - م.
Martin, George R. R

عنوان و نام پدیدآور: دنیای یخ و آتش / نوشته جورج آر. آر. مارتین؛ ترجمه علی مصلح حیدرزاده.
مشخصات نشر: تهران: ویدا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۲۲ × ۲۹ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۱-۱۶۳-۶-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت:

عنوان اصلی: The World of Ice & Fire: The untold history of Westeros and the Game of Thrones, 2014.

موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده: گارسیا، الیو

شناسه افزوده: Garcia, Elio

شناسه افزوده: آنتونسون، لیندا

شناسه افزوده: Antonsson, Linda

شناسه افزوده: مصلح حیدرزاده، علی، ۱۳۵۹ -، مترجم

رده بندی کنگره: ۲۱۳۹۴ م ۴۳ / ف ۳۵۶۹ PS

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۵۲۷۰۸

نویسنده: جورج آر. آر. مارتین

مترجم: علی مصلح حیدرزاده

ویراستار: آهو مدیحی

طراح جلد: امین طالبی، خسرو خسروی

صفحه آرا: نوید پناه زاده ملکی، فاطمه بخشوده

چاپ و صحافی: سرمدی

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۱-۱۶۳-۶-۶

فهرست

- دیباجه
بخش اول: تاریخ باستان ۲
عصر آغاز ۵
ورود انسان های نخستین ۸
عصر قهرمانان ۱۰
شب طولانی ۱۱
ظهور والریا ۱۳
فرزند والریا ۱۵
ورود اندال ها ۱۷
ده هزارکشی ۲۱
ویرانی والریا ۲۶
بخش دوم: حکمرانی اژدهایان ۳۱
فتح ۳۱
بخش سوم: پادشاهان تارگیرین ۴۶
ایگان اول ۴۹
اینیس اول ۵۲
میگار اول ۵۵
همسران میگار ظالم ۵۹
جیهیریس اول ۶۰
فرزندان جیهیریس اول ۶۴
ویسیریس اول ۶۶
ایگان دوم ۷۳
مهمترین نبردهای رقص اژدهایان ۷۸
اژدهایان درگیر در رقص اژدهایان ۸۱
ایگان سوم ۸۲
نایبان سلطنت پادشاه ایگان سوم ۸۳
دیرون اول ۸۷
بیلور اول ۸۹
خواهران بیلور اول ۹۱
ویسیریس دوم ۹۴
ایگان چهارم ۹۵
۹ معشوقه ایگان چهارم ملقب به نالایق ۹۸
دیرون دوم ۱۰۰
ایریس اول ۱۰۴
میگار اول ۱۰۶
ایگان پنجم ۱۰۷
جیهیریس دوم ۱۱۱
ایریس دوم ۱۱۳
بخش چهارم: سقوط اژدهایان ۱۲۲
سال بهار کاذب ۱۲۴
قیام رابرت ۱۲۷
پایان ۱۲۹
سلطنت باشکوه ۱۳۱
بخش پنجم: هفت اقلیم ۱۳۲
شماره ۱۳۵
پادشاهان زمستان ۱۳۷
قبایل زمستان ۱۳۹
سنگ زدگان زمستان ۱۳۹
جزیره نشینان زمستان ۱۴۰
اربابان وینترفل ۴۱
وینترفل ۱۴۲
دیوار و فراسو ۱۴۵
نگهبانان شب ۱۴۵
وحشی ها ۱۴۷
سرزمین رودخانه ۱۵۱
خاندان تالی ۱۵۶
اربابان هارن هال ۱۵۸
ریورران ۱۶۰
دره ۱۶۳





آمدن روینارها ۲۴۰
سنت‌های عجیب جنوب ۲۴۱
دوره علیه ازدهایان ۲۴۳
سان اسپر ۲۴۸
بخش ششم: فراسوی پادشاهی مغرب ۲۵۰
سرزمین‌های دیگر ۲۵۲
شهرهای آزاد ۲۵۳
لورات ۲۵۳
نوروس ۲۵۶
کهر ۲۵۹
سه دختر ستیزه‌جو: میر، لیس و تایروش ۲۶۱
پنتوس ۲۶۶
ولانتیس ۲۶۷
براووس ۲۷۶
آن‌سوی شهرهای آزاد ۲۷۱
جزایر تابستان ۲۷۱
نات ۲۸۲
جزایر باسایسک ۲۸۲
سورریو ۲۸۴
علفزارها ۲۸۷
دریای لرزان ۲۹۱
ایب ۲۹۵
شرق ایب ۲۹۸
کوهستان استخوان‌ها و فراتر ۲۹۹
بی‌تی ۳۰۰
دشت‌های جوگوس‌نای ۳۰۴
لنگ ۳۰۶
آشای در حاشیه سایه ۳۰۸
سخن آخر ۳۱۱

خاندان ارین ۱۶۹
ایری ۱۷۰
جزایر آهن ۱۷۵
تاج‌های چوبین ۱۷۸
پادشاهان آهن ۱۸۲
خون سیاه ۱۸۳
گری جوی‌های اهل پایک ۱۸۷
کراکن سرخ ۱۸۸
روش قدیم و جدید ۱۹۰
پایک ۱۹۳
سرزمین غرب ۱۹۱
خاندان لنیسترد در ده‌ران اژدها ۱۹۸
کسترلی‌راک ۲۰۴
ریچ ۲۰۷
گرت سبزدست ۲۰۷
پادشاهان گاردنر ۲۰۹
اندال‌ها در ریچ ۲۱۱
الدتان ۲۱۳
خاندان تایرل ۲۱۷
های گاردن ۲۱۸
سرزمین طوفان ۲۲۱
آمدن انسان‌های نخستین ۲۲۲
خاندان دوراندون ۲۲۳
اندال‌ها در سرزمین طوفان ۲۲۵
خاندان باراتیون ۲۲۷
مردان سرزمین طوفان ۲۳۱
استورم‌زاند ۲۳۳
دورن ۲۳۵
شکستن بازو ۲۳۷
پادشاهی‌های انسان‌های نخستین ۲۳۸
ورود اندال‌ها ۲۳۸
شمشیر صبح ۲۳۹

دیباچه

به درستی گفته شده که هر ساختمان سنگ به سنگ بنا می شود و دانش نیز این چنین است: به دست انسان های دانشمند استخراج و گردآوری می شود و هر یک از آنان بنایی جدید بر آثار پیشینیان خود می افزاید. آنچه یکی شان نمی داند، بر دیگری آشکار می شود. اگر کسی به اندازه کافی کاوش کند، حقیقتاً چیز زیادی ناشناخته باقی نخواهد ماند. اکنون من، استاد یاندل، مانند یک سنگ تراش آنچه را می دانم حکاکی می کنم تا سنگ دیگری بردژ عظیم دانش بیفزایم، دانشی که طی قرن ها درون و برون مرزهای سیتادل ساخته شده است. دژی که به دست افراد بی شماری پیش از ما بنا شده و بی شک افراد بی شمار دیگری که خواهد آمد، آن را مرتفع تر خواهند ساخت.

من در دهمین سال حکومت آخرین پادشاه تارگرین متولد شدم و بچه سرراهی بودم. مرا در اتاقکی خالی در منزل که بت گذاشته بودند، جایی که دستیاران، برای کمک به متقاضیان، هنرنامه نگاری را تمرین می کردند. سرنوشت من همی ری رقم خورد که یک دستیار مرا یافت و نزد سرپرست آن سال سیتادل، استاد بزرگ، ادگران، بر. ادگن، آنکه حلقه، عصا و نقایش نقره ای بود، به چهره گریان من نگریست و اظهار داشت که ممکن است در آید. وقتی یک پسر بچه بودم، برای اولین بار این را شنیدم، و این طور برداشت کردم که او تقدیر مرا در مقام یک استاد پیش بینی کرده است، ولی بعدها از طریق استاد بزرگ، امروز، پی بردم که ادگران آن زمان در آن نوشتن ساله ای در باب قنداق کردن نوزادان بوده و می خواسته نظریه های قطعی خود را بیازماید!

باری- همان طور که شاید ناخوشایند به نظر آید، نتیجه آن شد که من به خدمتکاران سپرده شدم و فقط گاهی مورد توجه استادان قرار می گرفتم. با اینکه هم چون یک خدمتکار در سالن ها، اتاق ها و کتابخانه ها بزرگ شدم، استاد بزرگ، والگرویو، به من دانش نامه نگاری آموخت. بدین سان توانستم سیتادل و سلحشوران عرصه خرد را که از معرفت گران قدر سیتادل حفاظت می کردند، بشناسم و دوستشان بدارم. آرزویی نداشتم جز اینکه یکی از آنان باشم تا درباره مکان های دور و انسان هایی مطالعه کنم که مدت ها پیش مرده بودند، همچنین به ستارگان خیره شوم و گذر فصل ها را سحابه کنم.

و این کار را کردم! نخستین حلقه زنجیر را در سیزده سالگی به دست آوردم و به حلقه های دیگر. زنجیر استادی را در نهمین سال سلطنت پادشاه رابرت، نخستین پادشاه به این نام، کاس کردم و آن قدر مورد لطف بودم که توانستم کارم را در سیتادل ادامه دهم و به استادان بزرگ خدمت کرده و در همه امور کمک حال شان باشم. این برایم افتخاری بزرگ بود، ولی بزرگ ترین آرزویم این بود که چیزی مخصوص خود خلق کنم: اثری که مردان فاضل و خاکسار خوانده و برای همسران و فرزندان شان روایت کنند تا بزرگ و کوچک درباره خیر و شر، عدل و بی عدالتی بیاموزند و دانتر شوند؛ همان طور که من حین آموختن در سیتادل دانتر شدم. پس بار دیگر به کار افتادم تا چیز جدیدی به شاهکارهای استادان فقید عصر کهن بیفزایم. آنچه در ادامه می آید از دل همین آرزو بیرون آمده است: تاریخی از امور دلاورانه و شیرینه، مردمان آشنا و غریبه و سرزمین های دور و نزدیک.